

کمال جنبدگی
دعوت نفسی است
عاقبت تقوی سبب دعوت نفسی است
در نفسی و میسر و میان دعوت نفسی است
عاشق آرامه بگویند زنی عشقی است
عاشق طوطی است تصدق موسی است
جانب طوطی است که در وی
شمن و در او این چنین است
پیش از آن که در دنیا نباشد
از آن که در دنیا نباشد
کمال این کوید و در او علی است
کریه نیز از آن است و صورت از آن
در روایت دیگر آن که در آن دیدار است
پیش از آن که در دنیا نباشد
کریه نیز از آن است و صورت از آن
در روایت دیگر آن که در آن دیدار است
پیش از آن که در دنیا نباشد
کریه نیز از آن است و صورت از آن

گواست کند از سدا بد و روزی او از جای ده مد که در حساب
نیاید کسی از بزرگی وصیت در خواست کرد گفت ترا وصیت
کنم بگو صیتی که بربت العالین خلق اولین و آخرین را بدان حضرت
وصیت کرده است قوله و لقد وصینا الذین اوتوا الکتاب
من قبلكم و ایاکم ان اتقوا الله چون دانستی که خدای تعالی مهر
بانست بر بنده گان خود را اگر بدان تقوی خصلتی بودی
خلق اولین و آخرین را بدان حضرت وصیت کردی ای سائل الله
حق چون دانستی که خیر دنیا و آخرت در تقویت و تقوی بودی
کاری کردنست بوی با که پرمهر کنی از بدعت در اعتقاد
و از ریاء و طاعت و از معصیت در دنیا یعنی نزدیک سنوی
هر چیزی که خدای تعالی مدح از هر چه کرده است و در سنوی از

از هر چیزی که ذم آن چیزی کرده است اما بدان که تقوی در حال
حلاله کردن آن باشد که از حلاله بانندی راضی شوی و خیر
است از رسول صلی الله علیه و سلم فرموده است استمیتان
و نام متقی از بهر آن گردند که از حلاله پرمهر کنند که مبادا که در حرام چه
افتد و از جمله اهل تقوی یکی امام حسین بود رحمه الله علیه چنین
فرمود که دست برداشتن از فزون حلاله ابتدای تقویست
و دست برداشتن از هر چه مرد را مستغول کند از خدای تعالی
انتهای تقویست بیت گفت بیکر کند ریخته پیشواست
دور سوز هر چه آن غیر خفاست سبب چه بود مسیب را
طلب کن محرم زو او ترک سبب کن ای سائل راه حق بدان که
اهل تقوی بخورند لا بقوه صغر و کبر و چون خوردند بانندی راضی